عکس: سهند تاکی، شرق

بررسی جشنواره چهل‌وسوم بعد از ۳ دوره پرتلاطم در گفت‌وگو با کمال تبریزی و علیرضا رئیسیان

«سیمرغ» باید پوست بیندازد

بهناز شیربانی

حواشی چهل‌وسومین جشنواره فیلم فجر همچنان ادامه دارد و داوری این رویداد سینمایی یکی از پربحث‌ترین موضوعات این روزهای سینمای ماست. کمال تبریزی و علیرضا رئیسیان، دو سینماگر نام‌آشنای ما، ازجمله اعضای شش‌نفره هیئت داوری این دوره از جشنواره فیلم فجر بودند که پاسخ‌گوی سؤالات ما و برخی از حواشی جشنواره فیلم فجر شدند. شما را به خواندن این گفت‌وگو دعوت می‌کنیم.

آقای تبریزی، چند ساعت قبل از اختتامیه خبری منتشر شد که شما در اختتامیه حضور پیدا نمی‌کنید و قهرکردید! جریان چه بود؟

کمال تبریزی: در همان اوایل داوری احساس من و دوستان دیگر این بود که جلسات داوری یک درز اطلاعاتی دارد؛ ممکن است شنود شود یا اطلاعاتش بیرون راه پیدا کند. از این بابت من اعتراض کوچکی داشتم. با دوستان صحبت کردم که بعد از آن روشی در پیش بگیریم که اطلاعات ما محرمانه باشد. کمااینکه نتیجه هم داد. فکر می‌کنم بیشترین وجه محرمانه‌بودن آرای داوری شاید در این جشنواره بوده. تقریبا هیچ‌کس نمی‌دانست که کدام‌یک از نامزدها جایزه اصلی را می‌گیرد و جوایز چطور داده می‌شود. اگر مطرح شد که تبریزی قهر کرده دلیلی بر صحبت ادعای من بود. از آن به بعد هم سعی کردیم روشی اتخاذ کنیم که در ادامه اگر لازم شد درباره آن صحبت می‌کنیم.

علیرضا رئیسیان: این مورد هم کاملا درون‌گروهی، بین شش نفر ما بود و من منشأ این درز اطلاعاتی را پیدا کردم. یکی از سایت‌های اصولگرا این شایعه را مطرح کرد. داوران جشنواره‌های خارجی معمولا قبل از اعلام نتایج قرنطینه می‌شوند. مثلا جشنواره فیلم کن داوران را به جزیره‌ای نزدیک محل برگزاری جشنواره منتقل می‌کند و پنج، شش جایزه هم بیشتر اهدا نمی‌کنند. امسال آقای تبریزی در واقع یک نوع تروکاژ کارگردانی به کار برد که اخبار درون شورای داوری ما به بیرون منتقل نشود. اگر شب اختتامیه جشنواره فیلم فجر را مرور کنید، به‌جز جایزه‌ای که به هیئت داوران مربوط نبود و به خود جشنواره مرتبط می‌شد، همه حضور داشتند، آمدند و جوایزشان را گرفتند.

فکر می‌کنم با این روند جشنواره فیلم فجر سال‌هاست آشناییم. حرف و حدیث‌هایی که جزئی جدایی‌ناپذیر جشنواره فیلم فجر است. از ابتدا که فهرست هیئت داوران جشنواره اعلام شد و مشخص شد که یک داور (بهرام رادان) حضور ندارد، این گمانه‌زنی‌ها هم مطرح شد که احتمالا با تعداد زوج داوران نتیجه‌گیری سخت خواهد بود. این روند ادامه پیدا کرد تا روز اختتامیه که اخبار و بیانیه‌هایی از سمت سازندگان برخی آثار مطرح شد و اعتراضشان را اعلام کردند. چقدر غیبت یک داور در رأی شما اثرگذاشت یا چه چالش‌هایی برای شما ایجاد کرد؟

کمال تبریزی: نبودن آقای رادان با توجه به اینکه اعلام آمادگی کرده بودند و بعد انصراف دادند، صورت خوشی نداشت. به هر حال هرکسی برنامه‌های خودش را می‌داند، علی‌رغم اینکه بالاخره بهرام رادان پرمشغله است، اما به هر حال با توجه به شرایطی که درگیرش است ابتدا برای حضور در هیئت داوران جواب مثبت داده بود. این پرمشغله‌بودن شامل حال تمامی ما هم می‌شد و به هر حال یک‌سری از برنامه‌های ما برای حضور در این بخش کنسل شد. بعد از انصراف بهرام رادان، تلاش کردیم داور دیگری جایگزین شود ولی واقعیت این بود که با توجه به زمان اندکی که وجود داشت، عملا ممکن نبود. تعداد زیادی فیلم در مدت زمانی محدود باید دیده می‌شد، بنابراین به این نتیجه رسیدیم که شدنی نیست. تصمیم گرفتیم همفکری کنیم و خدا را شکر مشکلی هم از این بابت نداشتیم. خوشبختانه همه چیز خوب پیش رفت و به نتیجه خوبی رسید.

آقای شاهسواری هم جایی در مورد داوری‌ها وارد این حوزه می‌شدند و نظر می‌دادند؟

علیرضا رئیسیان: نه ایشان به عنوان دبیر هیچ دخالتی در امر داوری نداشتند. من در این چهار دهه‌ای که در سینما هستم، تقریبا هرچه در ذهنم سرچ کردم یادم نیامد در جهان، امر داوری توسط فردی پذیرفته شود و بعد انصراف بدهد؛ مگر اینکه برای آن طرف یک حادثه عجیب و غریب جسمی و جانی پیش بیاید، وگرنه دیگران هم می‌توانند از این روش‌ها داشته باشند. به نظرم آقای رادان کم‌لطفی کرد، به‌خصوص که ویدئویی از او در جنوب کشور دیدم که حداقل برای من بیشتر تأثیر منفی داشت.

برسیم به بخشی از انتقادهایی که بعد از اختتامیه جشنواره نسبت به داوری شما عزیزان مطرح شد. فکر می‌کنم پررنگ‌ترین آن، نحوه انتخاب بهترین فیلم بود. جایزه بهترین فیلمی که بسیاری اذعان داشتند اگر «زیبا صدایم کن» جایزه بهترین فیلم را گرفته، باید در بخش‌های دیگر این اتفاق برایش تکرار می‌شد. فکر می‌کنم شما دو بزرگوار بهتر می‌دانید همیشه این ملاحظات فرامتنی در طول ادوار مختلف جشنواره باعث ایجاد سوءتفاهم‌هایی در سینماگران شده. خاطرم هست خود شما، آقای رئیسیان، سال ۹۷ در اعتراض به نادیده گرفته‌شدن «مردی بدون سایه» به داوری‌ها اعتراض کردید. ولی شاید همین ملاحظات فرامتنی است که این شائبه را در مورد نحوه اهدای سیمرغ‌ها ایجاد می‌کند. از همین جایزه بهترین فیلم شروع کنیم.

علیرضا رئیسیان: آن زمان اعتراض من این بود که دبیر جشنواره با من رفتار دوگانه انجام داد؛ من را گول زد. در واقع من نه فرم پر کرده بودم، نه کپی فیلم را برای هیئت انتخاب فرستاده بودم. با اصرار زیاد دبیر جشنواره چهار، پنج‌تا از افرادی که در فیلم کار کردند شانس بردن جایزه را داشتند و به خاطر آنها فیلم را به جشنواره دادم. این یک خاطره شخصی بود و ما جایزه بهترین فیلم را در جشنواره امسال تبدیل کردیم به جایزه بهترین تهیه‌کننده؛ چون جایزه بهترین فیلم عنوان دقیقی نیست. این مشکل هم برمی‌گردد به خصلت ذاتی خود جشنواره فیلم فجر که اساسا مجموعه‌ای از تناقضات است و هیچ‌وقت هم حل نمی‌شود. منتقدان کارشان نقدکردن است و فکر می‌کنند همیشه باید نقد کنند، اما همیشه ارزیابی‌ها دقیق نیست. در جشنواره فیلم فجر هم سابقه داشته فیلمی که بهترین فیلم جشنواره شده اما باقی جوایز اصلی را نبرده است.

اگر سابقه داشته چه فیلمی بوده؟

علیرضا رئیسیان: باید سرچ کنیم، ولی سابقه داشته و ما هم به این موضوع دقت کردیم.

اگر پیش از این این اتفاق افتاده آیا روال غلطی نبوده که شما به آن استناد می‌کنید؟

علیرضا رئیسیان: نه. باید این توضیح را بدهم که اساسا مشکل جشنواره فیلم فجر چیست و واقعا نیاز به تغییرات اساسی و بنیادین دارد. جشنواره فیلم فجر مخلوطی از چیزهایی موجود در جهان است. بسیاری از جشنواره‌های جهانی درجه اول، شش، هفت جایزه بیشتر اهدا نمی‌کنند و بهترین فیلم را هیچ‌وقت به تهیه‌کننده نمی‌دهند و به کارگردان اهدا می‌کنند؛ نخل طلا، خرس طلایی برلین و ونیز. جشنواره‌های رده دو، فیلم‌هایی را که در جشنواره‌های مطرح‌تر گردش کرده یا مثلا یک رده پایین‌تر هست نشان می‌دهند. این جشنواره‌ها هم شش، هفت جایزه بیشتر اهدا نمی‌کنند و از همین الگو پیروی می‌کنند. تنها مراسم اسکار است که جشنواره نیست و جشن است که تعداد بیشتری جایزه دارد و فیلم‌هایی را قضاوت می‌کنند که اکران شده. اینجا ما فیلم‌های اکران‌نشده را ارزیابی می‌کنیم و با ترکیبی از جشنواره‌های سراسر دنیا در جشنواره فیلم فجر روبه‌رو هستیم و با هزارویک مشکل روبه‌رو می‌شویم. وقتی بررسی می‌کنیم، می‌بینیم چه تناقضاتی درون خود آیین‌نامه، برگزاری و شکل جشنواره وجود دارد. جایزه ویژه تماشاگران یکی از آنهاست. اصلا جشنواره‌های رقابتی جایزه ویژه تماشاگران آن هم معادل جایزه اصلی ندارند. این در دوره زنده‌یاد سیف‌الله داد به وجود آمد و خود من در جریان بودم که چطور اتفاق افتاد. همان زمان هم به آقای داد اعلام کردم در جشنواره‌های رقابتی چنین چیزی نیست. فیلم مطلوب تماشاگران را می‌توان در مراسم دیگری ارزیابی کرد و جایزه داد. ما چیزهایی را بومی‌سازی می‌کنیم و ترکیب نامتجانسی را ایجاد می‌کنیم و بعد نمی‌دانیم باید با آن چه کار کنیم؟ این موارد چیزی را به ما گوشزد می‌کند. ما به خود دبیر جشنواره، رئیس سازمان سینمایی و وزیر ارشاد هم گفتیم که قطعا باید این تغییرات اتفاق بیفتد، وگرنه مطمئن باشید سال بعد اعتراض‌هایی بیش از این و در شکل‌های دیگر روی خواهد داد. در حال حاضر برخی از جوایز جشنواره فیلم فجر دیگر موضوعیت ندارد؛ برای حمایت از یک حرفه بخصوص در دوره‌ای به جشنواره اضافه شده است و الان هر شکلی آن را نگاه می‌کنید با هیچ الگویی منطبق نیست.

کمال تبریزی: واقعا این ماجرای شتر گاو پلنگ بودن جشنواره فجر یعنی ترکیب همه مدل‌هایی که در جشنواره‌های مختلف وجود دارد، یک جا جمع شده و مشکل ایجاد کرده است، منتها چون از ابتدا این پایه گذاشته شده، بر این منوال پیش رفته و الان تغییردادنش سخت است. فکر می‌کنم در دوره‌ای آقای عسگرپور جوایز را کم کرد و به چند جایزه اصلی محدود کرد و آن شور و هیجانی را که معمولا جشنواره دارد، از دست داد. فکر می‌کنم اشکالی ندارد اگر جشنواره‌ای داشته باشیم که نمونه‌اش در هیچ جای دنیا وجود نداشته باشد. می‌توانیم اسمش را هم جشنواره نگذاریم؛ جشنی که همه دور هم جمع می‌شوند برای اینکه تخصص‌های مختلف را ارزیابی کنند و به بهترین آن در اندازه‌هایی که وجود دارد جایزه بدهند. به نظرم تا این اندازه باید به آن توجه کنیم. فکر می‌کنم که الان بیش از اندازه مهم شده که مثلا سیمرغ کدام بخش را چه کسی می‌گیرد. خودمان به امری دامن می‌زنیم که آن‌قدر اعتبار و ارزش را حداقل از این به بعد ندارد. فکر می‌کنم باید به اندازه تقدیرشدن به آن نگاه کنیم. به اندازه فعالیت‌هایی که در یک سال اخیر اتفاق افتاده و به نمایش درنیامده است و گروهی از متخصصان تعیین می‌شوند که درباره آنها اظهارنظر کنند. پس وقتی در جشنواره شرکت می‌کنیم، یعنی قواعد جشنواره را می‌پذیریم. واقعیت این است هر مجموعه دیگری به‌جای این هیئت داوری بود، احتمالا جوایز تغییر می‌کرد. شاید تغییرات فاحشی نبود ولی قطعا تغییر می‌کرد. معتقدم وقتی مجموعه‌ای از فیلم‌ها برای دریافت جایزه نامزد می‌شوند، با یک اختلاف جزئی هم‌عرض هم هستند و در نهایت یکی رأی بیشتری می‌گیرد. بنابراین باید این‌طور قضاوت کنیم که فیلمی مثل «زیبا صدایم کن» در رشته‌های اصلی نامزد شده. چه کسی این اصل را گذاشته که بهترین فیلم جشنواره یا بهترین تهیه‌کننده جشنواره باید چند جایزه دیگر هم در باقی رشته‌ها دریافت کند؟ همین که در رشته‌های اصلی نامزد شده مشخص است که حائز دریافت جایزه بهترین تهیه‌کننده و بهتری فیلم است و این کافی است. قواعدی را خودمان طراحی می‌کنیم و بعد می‌گوییم چرا این قواعد را زیر پا گذاشتیم؟ نامزدی به این معنی است که تک‌تک این نامزدها که تعدادشان هم امسال کم نبود، واجد دریافت جایزه هستند.

ما چیزهایی را بومی‌سازی می‌کنیم و ترکیب نامتجانسی را ایجاد می‌کنیم و بعد نمی‌دانیم باید با آن چه کار کنیم؟ ما به خود دبیر جشنواره، رئیس سازمان سینمایی و وزیر ارشاد هم گفتیم که قطعا باید این تغییرات اتفاق بیفتد، وگرنه مطمئن باشید سال بعد اعتراض‌هایی بیش از این و در شکل‌های دیگر روی خواهد داد. در حال حاضر برخی از جوایز جشنواره فیلم فجر دیگر موضوعیت ندارد؛ برای حمایت از یک حرفه بخصوص در دوره‌ای به جشنواره اضافه شده است و الان هر شکلی آن را نگاه می‌کنید با هیچ الگویی منطبق نیست

علیرضا رئیسیان: به‌علاوه اینکه چند ماه بعد از جشنواره فیلم فجر، جشن خانه سینما را داریم که دوباره همین سیکل جوایز را افراد صنفی بررسی می‌کنند. اگر در جشن خانه سینما جوایز از جهت سطح ارزش هنری ارتقا پیدا کند، واقعا جای خیلی چیزها در جشنواره فیلم فجر نیست، برای اینکه امکان این نوع بررسی در جشنواره فیلم فجر واقعا سخت است؛ چون بعضی روزها چهار یا پنج فیلم می‌دیدم. چطور ممکن است یک داور ذهن، اندیشه، تفکر و تجربه‌اش در لحظه چهار بار موسیقی مثلا پرحجم سازهای کوبه‌ای، زهی و همه را با هم بشنود و تشخیص بدهد این بهتر از دیگری بود؟ این تعداد فیلم برای این چند روز داوری خیلی زیاد است. ۳۶ عنوان برای یک هفته فیلم دیدن! این سلیقه، تجربه و دانش ما بود. ممکن است دیگرانی سلیقه دیگری داشته باشند، اما در نامزدهای امسال یک مورد هم پیدا نمی‌کنید که دیگران معتقد باشند چرا نامزدهای بازیگری این اشخاص هستند.

طبیعی است که بخشی از فیلم‌هایی که در جشنواره امسال دیدیم به سلیقه و انتخاب هیئت داوران مربوط می‌شد و اتفاقی که ورودی جشنواره چهل‌وسوم فیلم فجر بوده است. اما واقعا زمان نمایش برخی فیلم‌ها در برج میلاد عده زیادی سالن را ترک می‌کردند. ما تعداد زیادی فیلم متوسط رو به پایین دیدیم و در فهرست نامزدها اسامی پرتعدادی از فیلم‌هایی دیدیم که اتفاقا در نیمه‌های فیلم اهالی رسانه و منتقدان سالن را در حین نمایش این فیلم‌ها ترک کردند. برای همه ما انتخاب چنین فیلم‌هایی توسط شما حیرت‌انگیز بود. در نهایت در برخی رشته‌ها بسیاری از منتقدان و اصحاب رسانه اتفاق نظر داشتند و ما به خاطر فیلم یا بازی خوب آنها را تشویق کردیم. برای ما خیلی عجیب بود که چرا در انتخاب نهایی بازیگر زن و مرد، به‌ویژه مکمل‌ها، جوایز به این شکل اهدا شد. بیشتر درباره این بخش توضیح بدهید.

کمال تبریزی: فرایند فیلم‌دیدن مهم است. اینکه در چه زمان اتفاق می‌افتد. خاطرم هست در دوره‌ای که عضو هیئت داوران یکی از این جشنواره‌های خارج از کشور بودم، اصلا قاعده جشنواره این بود که داوران در سالن نمایش عمومی که مردم حضور دارند، نه منتقدان، فیلم ببینند. آنجا هم زمان نمایش فیلمی صندلی‌ها پر بود. فیلمی دیگر فقط ۱۰، ۲۰ نفر مخاطب داشت و ما در آن شرایط فیلم‌ها را می‌دیدیم. سالن برج میلاد ملغمه‌ای است از عوامل خود فیلم، منتقدان و خبرنگاران؛ بنابراین در آن شرایط فیلم‌دیدن، قضاوت درست مشکل است. به این دلیل که حتما کسانی که دست‌اندرکار خود فیلم هستند، در لحظاتی از فیلم تشویق می‌کنند و دست می‌زنند. به هر حال اظهارنظر منتقدان و افراد رسانه‌ای که ممکن است در فیلمی در یک پلان یکی زیر خنده بزنند و همین امر کوچک تأثیر زیادی بر دیگران می‌گذارد. در هیئت داوری هم به همین شکل است. ما در هیئت داوران با هم فیلم می‌دیدیم. خاطرم هست یک روز خانم مهاجر یک فیلمی را ندیده بود و دیر رسیده بود و فیلم برای او یک بار دیگر نمایش داده شد. بعد از اینکه فیلم را دید و تمام شد، گفت که این‌قدر تحت تأثیر فیلم قرار گرفته است که زمان می‌خواهد تا فیلم در ذهنش ته‌نشین شود و به آن فکر کند تا فیلم بعدی را ببیند، که امکانش نبود. می‌خواست کمی به جزئیات فیلم فکر کند که چرا چنین تأثیری روی او گذاشته است؟ باید تمام شرایط را ارزیابی کرد. این را هم بگویم که حتی ترتیب نمایش فیلم‌ها هم در قضاوت تأثیرگذار است. داوران اول کدام فیلم را ببینند، وسط یا آخر چه فیلمی را. چون فیلم‌ها را نسبت به همدیگر مقایسه می‌کنند. اینکه فکر کنیم به شکل ایزوله و جداگانه می‌شود همه چیز را خیلی مکانیکی یا با دقت خیلی بالا در کنار هم ببینیم، تقریبا غیرممکن است.

علیرضا رئیسیان: برای منتقدان جدی سینما احترام قائلم و همیشه هم سعی کردم مطالب آنها را دنبال کنم. تمام نوشتارها و ویدئوها را که از ابتدا تا انتهای جشنواره درباره تحلیل فیلم‌ها منتشر شد، سعی کردم ببینم. دیدیم که زمان صحبت درباره این بخش، حرف متافیزیکی نزدم. چند نکته برایم عجیب بود. یکی از دوستان هیئت انتخاب را دیدم که به داوری و اهدای جوایز اعتراض می‌کرد. جالب است بدانید سه تا از فیلم‌هایی که هیئت انتخاب به اتفاق آرا به آن رأی دادند، منتقدان و رسانه‌ها در هیچ‌یک از رشته‌ها کاندیدا نکرده بودند. ما هم کاندیدا نکرده بودیم. چطور ممکن است یک نفر نسبت به سفره‌ای که خودشان چیدند تا ما ارزیابی کنیم، انتقاد کند؟ این را می‌گویم که در تاریخ ثبت شود. یکی نوشته بود که بر اساس قاعده وفاق ملی رئیس‌جمهور جوایز تقسیم شد. اولا ما به رئیس‌جمهور و شعار وفاق کاری نداشتیم. ما یک‌سری داور بودیم و بر اساس ارزش‌های هنری فیلم‌ها داوری کردیم. از این ۳۶ فیلم ۱۴ تا فقط سیمرغ گرفتند. دو سیمرغ هم که به ما ربطی نداشت. حساب کنیم ۱۴ عنوان فیلم یعنی نزدیک یک‌سوم. چطور ما جوایز را تقسیم کردیم؟ بعضی‌ها یک سیمرغ بردند، برخی یک دیپلم و برخی چهار سیمرغ. من منطق برخی را اصلا متوجه نمی‌شوم. شما پرسش می‌کنید ما هم سعی می‌کنیم توضیحات‌مان را بدهیم. با اینکه ما هم حتما ضریب خطا داشتیم و اصلا در این شکی نیست، ولی این هم بی‌انصافی است. در مورد بازیگر نقش اصلی زن و مرد باید بگویم درباره نقش اصلی زن حرف زیاد شد. آقای تبریزی هم می‌داند در رأی‌گیری هم اتفاق آرا نشد. البته درباره بازیگر مرد چند فاکتور را در نظر گرفتیم. اول اینکه این نقش بار فیلم را به دوش دارد و فیلم بسیار سختی است. بسیار تعدد شخصیت در آن هست و با یک فیلم راحت‌تری مثل فیلمی که در یک آپارتمان قصه‌ای بین یک زن و شوهر پیر اتفاق می‌افتد، قابل مقایسه نیست. تحرک ریتمیک و احساسی خیلی بیشتر از بقیه است. آن‌هم با رأی‌گیری این اتفاق افتاد. مثلا نقش اول مرد نسبت به باقی نقش‌ها، من فکر می‌کنم در این بخش ضریب خطای ما کم بود.

در طول جشنواره با استناد به نظر منتقدان و اهالی رسانه به هر حال درباره بازی رویا افشار خیلی صحبت شد. در فیلمی که کم دیالوگ هم داشت و او توانسته بود با بازی تأثیرگذارش حس را درست به مخاطب منتقل کند. بسیاری اتفاق نظر داشتند بازی رویا افشار شایسته دیده‌شدن است. درباره مریلا زارعی هم همین موضوع مطرح شد؛ علاوه بر اینکه برخی هم معتقد بودند از او برخلاف بسیاری دیگر از نقش‌آفرینی‌هایش در موسی بازی زیادی ندیدیم. به نظر بسیاری از دوستان، اسامی‌ای که در اختتامیه به‌عنوان برگزیدگان این دوره خوانده شد، دورترین حدسی بود که می‌توانستیم درباره بازیگر نقش اصلی زن و مرد و مکمل‌ها داشته باشیم و همه ما تعجب کردیم.

علیرضا رئیسیان: شما می‌دانید خانم رویا افشار برای نقشی خیلی شبیه به این سه سال پیش سیمرغ گرفتند. به نظر شما این اعتراض به ما نمی‌شد که ایشان قبلا چنین نقشی بازی کرده و سیمرغ گرفتند، چرا داوران این را ندیده‌اند؟ یکی گفته بود داوران خواب بودند و در خواب فیلم دیدند.

کمال تبریزی: نکته‌ای که آقای رئیسیان می‌گویند، نکته مهمی است که روی آن تأمل کنید. خانم افشار بازیگر توانمندی است و بازی خوبی هم داشت، ولی خودش و حس‌وحال و شخصیت را تکرار کرده بود. حالا مقایسه کنید با میزان فاصله‌گرفتن خانم فریبا نادری از نقش‌هایی که قبلا بازی کرده بود. چقدر این فاصله عمیق است. باورتان می‌شود بازیگری که سریال‌های معمولی تلویزیونی بازی کرده یا اصلا بازی نکرده، یکباره در یک فیلم سینمایی چه تلاشی می‌کند برای طراحی یک شخصیت و آن را به‌خوبی اجرا می‌کند. من نمی‌خواهم نقش کارگردان آن فیلم را حذف کنم، قطعا کارگردان هم خیلی تأثیرگذار بوده، ولی به هر حال این اجرا را خانم نادری انجام داده است. چرا این فاصله را نمی‌بینیم؟ چرا فکر می‌کنیم این دورترین کسی است که ممکن است جایزه را بگیرد؟ شما آدمی را می‌بینید که از گذشته خودش، از مدل بازی خودش فاصله زیادی گرفته و این به نظرم درخور توجه است و باید تقدیر شود. باید خودش بداند چه کار ارزشمندی را انجام داده. من به کلیت فیلم کاری ندارم. ممکن است کل فیلم در مجموع نامزدی چندانی نداشته باشد، ولی یک نقطه درخشان دارد و آن بازیگری‌اش است. چرا نباید داوران این را ببینند؟ چرا دیگران باید اعتراض کنند به دیده‌شدن چنین نکته و موضوعی؟ ممکن است همین توجه داوران به چنین بازیگری سرنوشتش را تغییر بدهد و در مدار و مسیری قرار بگیرد که دیگر اشتباهات گذشته را تکرار نکند و به این سمت برود و با این توانایی که از خودش نشان داده، به نقطه مقبولی برسد.

البته برعکسش را هم داشتیم.

کمال تبریزی: بله، ولی امیدواریم این اتفاق نیفتد. ما باید این را می‌دیدیم. خانم افشار، خانم زارعی و همه کسانی که نامزد شده بودند، به نوعی خودشان را تکرار کرده بودند یا توانایی‌شان را به اثبات رساندند. حالا آدمی وارد حیطه‌ای شده که این توانایی و زحمتی که کشیده، باید دیده شود. من نمی‌فهمم که اعتراض دیگران برای چیست؟ فیلمی که در رشته‌های دیگر نامزد نشده، چه ربطی به تلاش و توانایی فردی در فیلم دارد که لازم است دیده شود.

ولی واقعا چرا فکر نمی‌کنیم که به هر حال داوران بر مبنای عدالت، دانش و سلیقه فیلم‌ها را دیدند و جوایز تعیین شده است. همین که امین حیایی نامزد دریافت جایزه است، یعنی هیئت داوران بازی امین حیایی را دیده است. همین‌طور شهاب حسینی و دیگرانی که نامزد شدند. اگر از حیطه نامزدها کسی بیرون مانده، حق داریم اعتراض کنیم. باید اجازه داد شش داور این جشنواره نظر شخصی خودشان را بدهند. اینکه بگوییم چرا این را انتخاب کردید و او را انتخاب نکردید، به نظرم کمی زیادی است

علیرضا رئیسیان: درباره نقش مرد هم نظرتان را می‌گویید؟

به نظر بسیاری از دوستان امین حیایی تلاش خودش را در «زیبا صدایم کن» کرده بود. همین‌طور شهاب حسینی. در نقش مکمل مرد هم بسیاری از بازی میرسعید مولویان در «ناتور دشت» نوشتند. تلاش امین حیایی در فیلم «زیبا صدایم کن» تجربه و نقش‌آفرینی متفاوتی بود و به چشم ما آمد و شهاب حسینی در فیلم «رها».

علیرضا رئیسیان: شما می‌دانید برخی منتقدان با نظر شما به‌شدت مخالف هستند. ازجمله برنامه‌ای که آقای فراستی اجرا می‌کرد و دوستانی همراه ایشان می‌آمدند. این‌طور نیست که یکدست باشد. آقای امین حیایی از نظر اجرای نقش که کمی هم مشکل است، تلاش خوبی کرد، ولی آن نقش نمونه‌های خارجی خیلی خوب دارد. نمی‌گویم باید مثل آنها باشد. مقصودم این است که الگو داشته. نه اینکه الگو داشته خوب نبوده، ولی حداقل وقتی بازیگری الگو دارد، کارش راحت‌تر می‌شود. مثل این نقش را مثلا داستین هافمن یا راسل کرو بازی کرده‌اند. بازیگر باید چیز دیگری که برای این فرهنگ، زمان و مکان هم باشد، در نقش ایجاد کند. نمی‌گویم باید به نقش اضافه بکند یا کم کند. ما همواره سعی می‌کردیم روی جزئیات بحث و مکث کنیم. امین حیایی خوب بود، شهاب حسینی خیلی خوب بود، ولی من اصلا نفهمیدم اعتراض شهاب حسینی به چه دلیل بود! برای اینکه همین چند روز پیش ما دیدیم بازیگری به اسم دنزل واشنگتن که واقعا به نظر من در کاراکتر و نقش‌هایی که بازی می‌کند، فوق‌العاده است و به نظرم نمونه و الگوی خوب هم از نظر اخلاق و بازیگری و هم از نظر رفتار شخصی و هم از نظر دیدگاه و جهان‌بینی نسبت به خود انسان و کاری که انجام می‌دهد، هست، در فیلم «گلادیاتور۲» نقش مکمل به اتفاق همه سایت‌ها و منتقدان بهترین بود، ولی کاندیدا هم نشد. واقعا این جایزه‌ها اصالت دارد؟ یعنی مشخص می‌کند شما بازیگر یا کارگردان یا نویسنده خوبی هستید؟ یا نه این هم یک مرحله‌ای است که فقط ممکن است اتفاق بیفتد. امسال با دیدگاه یک تعداد داور یک بازیگر به نظر خوب است و سال دیگر یکی دیگر. امین حیایی و شهاب حسینی هر دو خوب بودند، ولی نقطه‌ضعف‌های جدی داشتند. به نظر ما مصطفی زمانی توانسته بود بار فیلم را به‌ویژه در نیمه اول که بسیار سخت هم بود، به دوش بکشد. چیزی شبیه به کاری که تام هنکس در نجات سرباز رایان کرد و کار مهمی کرد. از این زاویه تلاش او ستودنی است. فاکتورهای زیادی را ارزیابی کردیم و در نهایت باید بگوییم گزینه‌هایی که اشاره کردیم، خیلی خیلی خوب بودند ولی شما می‌توانید بگویید شهاب حسینی در «جدایی نادر از سیمین» که خیلی نزدیک به همین شخصیت است، بدتر یا بهتر از این بود؟

ما داشته‌هایمان را در جشنواره چهل‌وسوم فیلم فجر ارزیابی می‌کنیم. ما در این جشنواره تعدادی فیلم اجتماعی خوب دیدیم. با توجه به اینکه شما دو بزرگوار کاملا آگاه هستید که در چند سال گذشته چقدر سینمای اجتماعی مهجور واقع شد و امسال معدود فیلم‌هایی دیدیم که بازی‌های مقبولی داشت. فارغ از اینکه با نمونه‌های خارجی مقایسه کنیم، در ظرف سینمای ایران، امسال اغلب بازی‌ها و فیلم‌های قابل دفاعی داشتیم. طبعا بسیاری از این فیلم‌ها مشکل فیلم‌نامه یا تدوین یا مشکلات ساختاری داشتند که می‌توان جداگانه به آنها پرداخت. به ظرف سینمای ایران نگاه کنیم. ما تعداد انگشت‌شماری فیلم پذیرفتنی و تأمل‌برانگیز دیدیم که بازی‌های خوبی هم داشتند.

کمال تبریزی: در بخش مسابقه به‌جز «رها» کدام فیلم این ویژگی را داشت؟

«زیبا صدایم کن» و «بچه مردم».

کمال تبریزی: «بچه مردم» را به نظرم باید جدا کنیم از این مدل سینمای اجتماعی. فضای دیگری دارد.

ولی ازجمله فیلم‌هایی است که مخاطب را درگیر می‌کند.

کمال تبریزی: هر سه این فیلم‌ها به اندازه‌ای که لازم بود از طرف هیئت داوران دیده شدند. اگر در فهرست نامزدهای داوران نبودند، می‌توانستیم اعتراضات را وارد بدانیم که چرا در فهرست نامزدی ما حضور ندارند؟ وقتی در فهرست نامزدی هستند، نمی‌توانم بفهمم اعتراض به اینکه چرا فلانی جایزه نمی‌گیرد و یکی دیگر می‌گیرد، چیست؟ شخصی که اعتراض دارد، خودش در هیئت داوران بوده. ولی واقعا چرا فکر نمی‌کنیم که به هر حال داوران بر مبنای عدالت، دانش و سلیقه فیلم‌ها را دیدند و جوایز تعیین شده است. همین که امین حیایی نامزد دریافت جایزه است، یعنی هیئت داوران بازی امین حیایی را دیده است. همین‌طور شهاب حسینی و دیگرانی که نامزد شدند. اگر از حیطه نامزدها کسی بیرون مانده، حق داریم اعتراض کنیم. باید اجازه داد شش داور این جشنواره نظر شخصی خودشان را بدهند. اینکه بگوییم چرا این را انتخاب کردید و او را انتخاب نکردید، به نظرم کمی زیادی است.

علیرضا رئیسیان: نقش مکمل هم قرار بود بگویید.

فکر می‌کنم اتفاق نظر روی میرسعید مولویان در «ناتور دشت» بیشتر بود.

علیرضا رئیسیان: فکر می‌کنید آن نقش مکمل بود در آن فیلم؟

تشخیص این مورد سخت بود.

کمال تبریزی: نامزد هم شده بود.

علیرضا رئیسیان: مشکلاتی مربوط به کارگردان است که نقش را هم تحت تأثیر قرار می‌دهد. یعنی من به عنوان کارگردان درباره همین آقای مولویان که خود من و آقای تبریزی بازی او را دوست داریم و سعی کردیم دیده شود، چون جوان است و آینده خوبی دارد و همین‌طور در مورد آقای نوید پورفرج هم همین کار را انجام دادیم. در بخش‌هایی از بازی میرسعید مولویان در«ناتور دشت» اغراق بیش از حد در پلان‌هایی وجود دارد و این بحث شد که آیا این مشکل کارگردان است که می‌خواهد این پلان با هیجان و حرارت و عصبیت بیشتری بازی شود یا مربوط به بازیگر است؟ تفکیک آن سخت است. چون نمی‌دانیم. واقعا در این فیلم مولویان نقش مکمل نبود؛ هم به جهت مقدار نقش و هم تأثیرگذاری. چون نقش منفی بود نمی‌توان گفت مکمل است. این اشکالی بود که خود سازندگان در فرم نوشته بودند و در تیتراژ هم بود و اگر جابه‌جا می‌شد، شاید اتفاق دیگری هم می‌افتاد.

ادامه در صفحه ۱۱